



بررسی مؤلفه درد و رنج کودکی در ادبیات منظوم کلاسیک و معاصر ایران

جعفر شویچی، عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور جمهوری اسلامی ایران، تهران.

شهین کاظمی زاده، نویسنده مسئول و مدرس مدعو گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور جمهوری اسلامی ایران، تهران.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف ارائه تصویری از درد و رنج کودکان و تصویر آن در ادبیات منظوم دوره ی کلاسیک و معاصر، با تکیه بر نظریات جامعه شناسی صورت پذیرفته است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا با واحد بررسی مضمون استفاده شده است و جامعه آماری تحقیق شامل کلیه ی اشعار مربوط به دوره ی کودکی می باشد که از این جامعه، اشعار ۱۳۰ شاعر که به میزان ۲۰۰۰ بیت شعر بود به روش هدفمند انتخاب و تحلیل محتوا شده است. جهت گردآوری داده ها چک لیست تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت و روایی آن توسط متخصصان این حوزه تایید شد. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات و کد گذاری متغیرها در نرم افزار SPSS انجام شد. نتایج حاصل از آزمون خی - دو نشان می دهد که در مقایسه بین ادبیات دوره ی معاصر و کلاسیک، زیر مقوله های درد و رنج کودکان در دوره ی معاصر از درصد توزیع فراوانی بیشتری نسبت به دوره ی کلاسیک برخوردار می باشد و تفاوت معنی دار است.

واژگان کلیدی: رنج کودک، ادبیات منظوم کلاسیک و معاصر، تحلیل محتوا.

Abstract

This study aims to present a picture of pain and fear in children and its image in literature, poetry, classical and contemporary period, with an emphasis on sociological theories has been done. In this study, a single study of themed content analysis was used. The study consisted of all the poems of childhood is that of the community, the poetry poem of 2000 manner poet 130 purposeful analyzer content has been. Czech for data collection, content analysis was used and its validity was confirmed by experts in the field. As well as data analysis and coding variables was performed using SPSS software.

The results of the chi-square test - two shows that in the comparison between contemporary and classic literature of the period, the following categories of children in the contemporary era of suffering and fear of frequency is more than the classic period and the difference was significant.

Key words: the suffering of children, classic and contemporary literature in order to analyze the content

مقدمه

یکی از مفاهیم و واژگان چالش برانگیز و در عین حال، مقدس (به معنای وحیانی) در قاموس فلاسفه و علمای ادیان، واژه ی «درد و رنج» است که خود حاصل تعارض باورها و تصورات با واقعیت های موجود است. این واژه به تعبیر علمای دین پژوه،



یکی از هفت مفهوم و مسئله‌ی اصلی انسان در طول تاریخ بوده، که از ازل تا به ابد-البته به صورت مختلف-مبتلا به بشر بوده و خواهد بود. اگر خدا، انسان، جهان، زندگی پس از مرگ، سرنوشت نهایی و اعمال و اعتقادات، شش موضوع اصلی هر انسان بوده و خواهد بود، نمی‌توان به دردورنج، به عنوان رکن دیگر این مجموعه بی‌توجه بود (تیلیش، ۱۳۶۶: مقدمه).

کمتر کسی نسبت به رنج بیگانه است. همزمان، کمتر کسی است که در رنج، خود را نسبت به دیگران بیگانه نبیند. رنج همچون شادی در وجود ما است. رنج یک مقوله‌ی انسانی است که در "ما" و "من" وجود دارد. هدف از این نوشته تسکین رنج نیست، هر چند که آگاهی نسبت به هر پدیده‌ی در درون ما کارکردی تسکین‌آمیز نیز دارد. واقعیت این است که ما در رنج خود تنها هستیم و من در رنج خود تنها. در رنج بیش از شادی به فردیت خود توجه داریم و خود را تنها می‌بینیم و رنج در بافت جمعی نیز تمایل به فروشکستن، «ما» به «من» دارد. شاعر و نویسنده می‌رنجد و از رنج خود می‌نویسند (به نقل از طبری).

با یک نگاه فراگیر به مجموعه متفکران و اندیشمندان در گستره‌های مختلف، بویژه کسانی که در علوم اجتماعی و انسانی سروکار دارند، چنین برمی‌آید که هیچ متفکری-به معنای عام-نبوده و نیست که به نوعی به مسئله درد و رنج در گفتار و نوشتار خود اشاره نکرده باشد؛ به گونه‌ای که این واژه مضاف‌الیه بسیاری از علوم و دانش‌ها قرار گرفته است: جامعه‌شناسی درد، روان‌شناسی درد، زیباشناسی درد، اخلاق درد و... نشان‌دهنده‌ی اهمیت و جایگاه این مفهوم در دستگاه فکری علمای جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... است. چنان‌که کتابی مستقل، با نام روان‌شناسی درد و رنج، نوشته و منتشر شده است (بیگدلی و دیگران، ۱۳۸۸). در میان مجموعه انسان‌هایی که به مسئله درد و رنج و مشتقات آن توجه و رویکردی ویژه نشان داده‌اند، طیف هنرمندان، به دلایل عقلی و ذوقی، در جایگاهی خاص قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که به جرئت می‌توان گفت بعد از متون مقدس و گفتار پیامبران، که از حقیقت درد و رنج بشریت آگاهی داشته و تمام عمر خود را صرف تقلیل مرارت‌های بشریت کردند، در این میان شاعران و نویسندگان در رأس این هرم قرار خواهند داشت (بیگدلی و دیگران، ۱۳۸۸).

رنج در اندیشه‌ی ایرانی به ویژه موضوع شاعران است و بیشتر خصلتی عرفانی دارد. مانی‌گری در اندیشه‌ی ایرانی ریشه بسیار عمیقی داشته، به معنای تحمل و پذیرش رنج از راه بازگشت به درون است. برای مانی پیروزی ابژه بر سوژه حتمی است و سوژه راهی به جز بازگشت به خویشتن خویش برای نجات ایمان خود ندارد (به نقل از طبری).

درد و رنج از جمله موضوعاتی است که همواره از سوی مکاتب مختلف دینی و فکری که دغدغه انسان‌شناسانه داشته‌اند به آن توجه و ماهیت، علل پیدایش و پیامدهای آن بر روان جامعه انسانی بررسی شده است. در کنار این مکاتب، ادبیات - که انسان و چالش‌های درونی او با خویشتن، طبیعت و جامعه از اهم موضوعات و مضامین آن است نیز - به این موضوع توجه نموده و بیگمان در طول تاریخ، آثار مشهور ادبی، شکوفایی، بالندگی، عمق، اوج و بالندگی خود را در پیوند وثیق با انسان و دغدغه‌ها و رنج‌های او تجربه کرده است. انسان به ماهو انسان، چه در عصر کلاسیک، چه مدرن، و حتی پسامدرن، مسائل مشترک دارد، به این معنی که برخی مسائل انسان از جمله آمل، آرزو، درد و رنج و... جاودانی و ذاتی است و مشمول مرور زمان نمی‌شود (بیگدلی و دیگران، ۱۳۸۸). از این رو کاویدن عمیق آثار حکیمانه و انسان‌شناسانه شاعران، مستلزم نگاه همه‌جانبه از منظر علوم مختلف شناختی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زیبایی‌شناسی، معرفت‌شناسی و... است. مقوله‌ی کودکی از جمله مقولاتی است که پس از اختراع صنعت چاپ و در دوره‌ی رنسانس در غرب مطرح شد و در قرن‌های بعدی جایگاهی ویژه پیدا کرد (پستمن، ۱۳۷۸: ۱۰). تا حدود قرن نوزدهم، اصولاً کودکان به عنوان گروهی خاص که نیازمند توجه و رسیدگی خاصی هستند، مطرح نبودند، هر چند که وجود آن‌ها ضروری بود (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). کودکان از لحاظ اجتماعی



نیز ارزش خاصی نداشتند، به طور معمول یا کودک محسوب می شدند که توجهی به آن ها نمی شد، یا بزرگسال به شمار می آمدند و مانند هر بزرگسال دیگری با آن ها رفتار می شد (اعزازای، ۱۳۸۹: ۱۳۲). همان طور که پستمن اظهار داشته است، مهم ترین عامل پیدایش « دوران کودکی » در جوامع مدرن، پیدایش یک نظام اجتماعی جدید بود که در آن نقش ها اساساً بر اساس توانایی های تخصصی افراد تعریف می شد؛ تخصصی که عمدتاً از طریق آموزش علمی حاصل می شد. با گسترش این روند، دوران کودکی به پدیده ای تبدیل شد که کودکان باید با طی کردن آن به سرزمین بزرگسالی می رسیدند و این چنین بود که نهادهای لازم برای تبدیل کودکان از موجوداتی خام و بیولوژیک به عناصر اجتماعی به وجود آمد و دوران کودکی نیز خود به نهادی اجتماعی تبدیل شد (کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۰). در گذشته تلاشی برای مفهوم سازی جامعه شناسانه از کودکی نشده بود و جامعه شناسان نیز پاسخی درباره ی طبیعت فضای اجتماعی کودکی نداده بودند (عبدلی، ۱۳۸۹: ۱). این مفهوم و تعیین محدوده ی آن، چندی است که مورد توجه محققان و پژوهشگران علوم مختلفی چون ادبیات، روان شناسی، جامعه شناسی، علوم تربیتی و... قرار گرفته است. پرداختن به مفهوم کودک و کودکی، سبب شده است که دریچه ای تازه به کشف کیفیت ها و خصایص این دوره گشوده شود و بسیاری از کشورهای توسعه یافته را بر آن داشته است تا با استفاده از یافته ها و دیدگاه های تازه در این باره، نیازها و علایق و خواسته ی این گروه را جزو اولویت های جامعه ی اجتماعی قرار دهند و امکانات گسترده ی مناسبی را در اختیار کودکان بگذارند (پستمن، ۱۳۸۷: ۷).

به نظر می رسد هرچه از تاریخ عمر بشر می گذرد، ظرفیت شاهکارهای بزرگ ادبی از این دیدگاه بیشتر کشف می گردد و ضرورت مطالعات این گونه آثار- که درد و رنج های بشری و بالاخص درد و رنج های کودکی و موانع فراروی او در ساختار و محتوای آنها جلوه و جولان یافته است - از دیدگاه پژوهش های میان رشته ای بیشتر احساس می شود. به این دلیل ، نگارندگان نیز با درک ضرورت توجه به مسائل کودکی در شرایط فعلی جهان و کمبود تحقیقات علمی و روشمند در موضوع درد و رنج های کودکی در ادبیات فارسی، بر آن شدند تا در یک فرایند نظام یافته علمی ، پژوهشی روشمند با موضوعیت درد و رنج های کودکی در آثار شاعران کلاسیک و معاصر ارائه نمایند.

هدف این مقاله ضمن بررسی مؤلفه درد و رنج های کودکی در آثار منظوم شاعران معاصر و کلاسیک، رسیدن به پاسخ هایی علمی به پرسش های زیر می باشد:

۱. عوامل و دلایل درد و رنج های کودکی از منظر شاعران کدامند؟ و آیا به این عوامل در ادبیات منظوم کلاسیک و معاصر توجهی شده است؟
۲. مهم ترین و عمده ترین درد و رنج هایی که یک کودک در دوران کودکی ممکن است با آن ها مواجه شود، از دید شاعران، کدام است؟ و چه راهکارهایی برای رهایی کودکان از آن ها پیشنهاد می شود؟
۳. با عنایت به اشعار دو دوره ی مورد بررسی، آیا کودک در دوران کلاسیک رنج بیشتری را متحمل شده است یا در دوران معاصر با رنج بیشتری مواجه می باشد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فیلیپ آریه در سال ۱۹۶۰ برای اولین بار مفهوم کودکی را مطرح نمود و آن را بعنوان "یک موقعیت مجزا که به میزان زیادی، کمی تا پیش از این صد سال مفقود شده بود" قلمداد کرد (آریه، ۱۹۶۲: ۳۳). دوران کودکی نه مقوله ای زیستی که عمدتاً ساخته اجتماعی بشر است. زن های ما حامل هیچ گونه مشخصه بارزی درباره ی این که چه کسی را می توان یک کودک به حساب آورد و چه کسی را یک بزرگسال دانست، نیستند و قوانین حیات هم نیازی به چنین تمایزی بین دنیای بزرگسالی و کودکی ندارند (پستمن، ۱۳۸۷: ۱۱). در واقع در صورتی که واژه « کودکان » را به معنای طبقه ای خاص از مردم که حدوداً " بین



سین هفت تا هفده سال هستند و از این رو نیازمند الگوهای مشخص پرورش و تربیت می باشند، فرض کنیم و این را هم بپذیریم که این گروه با گروه بزرگسالان از لحاظ کیفی متفاوتند، آن گاه شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه از عمر چنین طبقه ای، تنها کمتر از چهار قرن می گذرد (پستمن، ۱۳۸۷: ۶). بر اساس یک باور گسترده و رایج « کودک عضوی از جامعه تعریف می شود که هنوز به دلیل عدم تجهیز به مهارت های اجتماعی مورد نیاز نقش ها، نقشی مؤثر در سازمان اجتماعی ندارد.» اگر چه این تعریف از مفهوم کودک، تعریفی سنتی شمرده می شود، هنوز هم مهم ترین تعریف در این زمینه است (کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۲).

طبق تعریف ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی هر انسان کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب می شود. از دیدگاه حقوقی کودک یا صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (سازمان بهداشت جهانی).

«کودک و دوران کودکی مفهومی فرهنگ وابسته است، متکثر است، متقید به جنسیت، طبقه، سن، زمان و مکان است» (خسرو نژاد، ۱۳۸۳: ۸۵).

برداشت امروزی ما از مفهوم کودک، دوران کودکی را « به مثابه یک مقطع زمانی که آدمی طی می کند تا از کودکی بیولوژیک به عضوی اجتماعی تبدیل شود، برداشتی کم سابقه و مدرن» است (کرمانی، ۱۳۸۵: ۸).

دوران کودکی می تواند بعنوان یک دوره ی زندگی که در طول آن یک موجود انسانی بعنوان یک کودک، همراه با خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دوره است، تعریف شود (کوارتروپ، ۱۹۹۴: ۵۴). به طور کلی لفظ کودک را (با توجه به معنای جامعه شناختی آن) بر کسی می توان اطلاق کرد که «وظیفه اجتماعی بر دوش ندارد، کودک تا زمانی کودک است که موظف نیست» (شاه آبادی، ۱۳۸۲: ۴۸).

درباره خاستگاه و منشأ درد و رنج با توجه به زوایه دید، باورهای مختلفی وجود دارد. نوعی از نگاه از منظر پدیدارشناسی (تأثر انسان از درد و رنج) و نوع دیگر از نظر گستره زمان و دوره است. با این توجه منشأ درد و رنج در نگاه صاحبان درد در هر دوره مختلف بوده و لاجرم با توجه به موقعیت های ویژه، باورهای خاصی عرضه شده است (ملکیان، ۱۳۸۵: 19-44).

اگرچه «رنج» را گاهی با «درد» یکی دانسته اند، اما بهتر است که آن را نوعی حالت هیجانی بسیار ناخوشایند بدانیم که با درد یا پریشان خاطری قابل ملاحظه ای همراه است. رنج بردن و میزان آن بر حسب معنایی که شخص به درد یا پریشان خاطری خود می دهد یا بر حسب انتظاراتی که از آینده دارد، متفاوت است. بدین سان، نه تنها هر معنایی که شخص به موقعیتش می دهد، بلکه انتظاراتش از آینده مؤلفه های مهمی در رنج بردن و میزان آن است. اجماع عام بر این است که رنج به علت تنفرانگیزی لاینفکش، آدمی را در وضعیت بدی قرار می دهد و [افزون بر این] مانعی در سر راه اعمال او و تحصیل چیزهای مطلوب او است و [به هر روی]، رنج زیان آور است (دیوید دگرازا، ۱۳۸۶).

داوید لوبرتون دو مفهوم را از هم جدا می داند: درد (le douleur) و رنج (la souffrance). در این جداسازی رنج عرصه ی معناسازی و درد یک امکان بیولوژیکی است که در بدن احساس می شود. بنابراین آنچه به معنا بدل می شود در حقیقت درد نیست، بلکه رنج است. با این نگرش رنج است که در طول تاریخ حیات، آدمی را همراهی کرده و می کند (لوبرتون، ۲۰۰۵).



از نظر شلر رنج وجود دارد و، هیچ احتیاجی به انکار یا اثبات یا تعمق فلسفی ندارد. شوپنهاور می گوید: رنج ناشی از عدم ارضای تمایلات است. میل داشتن به چیزی به این مفهوم است که انسان فاقد آن است، که موجب رنجش او می شود. شوپنهاور در مفهوم "تمایل"، واقعیت بیرونی را در مقابل شرایط درونی قرار می دهد. یکی از کیفیت های رنج ناشی از تمایل، می تواند به شکل "یکنواختی" ظاهر شود که ناشی از تداوم همیشگی تمایلات نابرابر آورده است و به خستگی روح می انجامد. به این دلیل، خستگی ناشی از یکنواختی شکلی از رنج است که ناشی از بر آورده نشدن همیشگی تمایل است. پدیده رنج نزد شوپنهاور تحت مفهوم "اراده" رده بندی می شود که هم به مفهوم اراده درونی فرد است و هم به مفهوم "خواستن" یا "نخواستن". علاوه بر این، پدیده رنج برای شوپنهاور تنها به این تمایلات درونی محدود نمی شود، بلکه تصور و به خاطر آوری نیز نقش مهمی در پیدایش و گسترش رنج دارند. انسان موجودی است که در عین اینکه توانایی در فراموشی دارد، می تواند به خاطر بسیار و به تصاویر گذشته در ذهن خود اکنونیت بخشد. "رنج از رنج" شکلی از رنج است که ناشی از ناامیدی از تکرار عدم تحقق تمایلات است. نارضایتی ریشه ای می شود برای پدیده رنج که در مفهوم انتزاعی می توان از رنج جهان یا درد دنیا سخن گفت. "رنج از رنج" می تواند به این دلیل ناشی از اندیشه ای باشد از نارضایتی از اراده خود (آرنور به نقل از طبری).

رنج برای نیچه اما قبل از هر چیز در مفهوم "درد" مطرح است. رنج برای نیچه یک پروسه دردآور بوده که با جسم در پیوند است. درد به محدودیت در آزادی منجر می شود که از خارج در درون ما رنج می آفریند (آنو، ۱۳۸۶، به نقل از طبری). به این دلیل برای او اراده خارجی که بر جسم تاثیر می گذارد، توضیح گر پدیده رنج است.

شوپنهاور، نیچه، و شلر نمونه اشخاصی هستند که فلسفه شان با رنج و در نتیجه با جسم آنان پیوند خورده است. منظور از جسم در اینجا بیوگرافی و زندگی شخصی آنان و هر تجربه دردناکی است که در زندگی شخصی خود داشته اند و می توان به طور مستقیم به دیدگاه بدبینانه و رنج آنها ربط داد (آنو، ۱۳۸۶، به نقل از طبری).

جامعه شناسان کلاسیک، مفهوم اجتماعی کردن کودکان را به عنوان فرایند یک طرفه انتقال فرهنگی می دانند و بیشتر از آن از کودکان حمایت نکرده اند. به عبارت دیگر، کودکان عاملانی هستند که به میزان زیادی در زندگی شان اجبار اجتماعی به وسیله نیروهای ساختاری متنوع بر تمام فعالیت هایشان وارد شده است و آنها را به گونه ای ویژه شکل داده است.

کانینگام^۱ (۱۹۹۵) درباره ی توجه به کودک، در قرون هفدهم تا نوزدهم می نویسد: «میزان طرد کردن و یا پرورش و توجه به کودک بستگی به بالا بودن سطح مرگ و میر داشت. بعضی اوقات، یک عامل طرد شدگی مربوط به این موضوع بود که از هر ده کودک، قبل از اینکه به اولین سال تولدشان برسند؛ نه کودک می مردند.» از طرف دیگر دلیل افزایش طرد شدگی را وابسته به افزایش کودکان نامشروع می داند، اگر چه تعدادی از آنها می مردند. کودکان یک نسبت بالایی از جمعیت را در قرن بیستم تشکیل می دادند. یک جایی بین یک سوم تا نیمی از جمعیت کل که زیر پانزده سال بودند. ازدحام کودکان کوچک، یکی از خصیصه های مهم جمعیتی در هر جامعه ای قبل از قرن بیستم بوده است، تا آنجا که قابل انتظار بود خیلی از کودکان یکی یا هر دو والدین شان را قبل از آنکه به بزرگسالی برسند از دست بدهند. در قرن بیستم این تحولات به این نتیجه رسید که در خانواده ی مدرن کودک در محور و مرکز قرار داده شود (ورسلی، ۱۳۷۳: ۲۹۵).

"ژان ژاک روسو" دو عقیده در رابطه با کودکی داشت :

۱- «کودک برای خود موجودی ارزشمند است و نباید از او به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدفی مادی بهره گرفت» (پستمن، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

¹ Cunningham



۲- «حیات روانی و روحی کودک نه از این لحاظ حائز اهمیت است که ما با درک و شناخت آن به تعلیم و تربیت کودکان مان می پردازیم. بلکه از این جهت که سنین کودکی، دورانی از عمر یک انسان را شامل می شود که نزدیک ترین فاصله را با حالت طبیعی و طبیعت انسانی دارا می باشد» (پستمن، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

نیاکان ادیب ما هر چند گاهی و به نیت گوناگون از کودکان و عوالم خاص آن ها سخن گفته اند اما به نظر می رسد در ادب رسمی ایران، یک جریان وسیع برای اعتبار بخشیدن به تخیلات و تصورات آزاد و خودبخودی در دوران کودکی که همزمان با جنبه های رؤیایی بیان، باشد، وجود ندارد (باوندیان، ۱۳۶۲: ۱۷۳).

تا آن جا که نگارندگان بررسی کرده اند، تا به حال در باره پدیده درد و رنج در ادبیات فارسی به طور کلی و درد و رنج کودکی به طور خاص، پژوهشی مستقل و علمی انجام نشده است با این حال پژوهش هایی را که به نوعی به مقولات درد و رنج کودکی نزدیک است را در اینجا بیان می کنیم. در ابتدا باید توضیح دهیم که برای مؤلفه ی درد و رنج کودکی ما با ده زیر مقوله سر و کار داریم که عبارتند از: فقر، یتیمی، بیماری و درد و غصه، کودک و کار، تبعیض، بیم و امید، آینده نامعلوم کودکان طلاق، درک اختلاف طبقاتی، پشیمانی کودک از کرده خویش (احساس ندامت)، و گم شدن کودک در کوچه و خیابان.

واینس^۲ در یک بررسی به درک مشارکت فعال کودکان در زندگی شان می پردازد و در نهایت مفاهیم مسلط ساختارهای غربی بر کودکی را مانند این اندیشه ی غربی که کودکان با آسیب پذیری جسمانی و احساسی فرض گرفته شده اند و این موضوع آن ها را وابسته به بزرگسالان می سازد، آزمون کرده است از نظر واینس که رویکرد های ساختار گرایان را به کودکی مورد ملاحظه قرارداداده است؛ این رویکرد ها، کودکی را به عنوان یک عنصر ساخت اجتماعی و یک نظام سلسله مراتبی بر پایه ی سن، شبیه به دیگر سلسله مراتب اجتماعی مانند جنس، طبقه یا نژاد می بینند. کودکان به خاطر پایگاه اجتماعی پایین تر، خود گرای، نمود های سیاسی و خوشبختی اقتصادی شان نادیده گرفته می شود. به عبارت دیگر، کودکان یک اقلیت ناشناس اجتماعی هستند. واینس به بررسی مسائل اجتماعی کودکی توجه نشان داده و از این فرض غرب که کودکان در معرض آسیب پذیری جسمانی و اخلاقی قرار دارند مانند کودکان کار و یا استفاده ی کودکان از اینترنت و تاثیر اینترنت بر رفتارشان را از مسائل مورد توجه اجتماعی می داند، زیرا کودکان خارج از نظارت و کنترل بزرگسالان قرار می گیرند. او مسئولیت دولت ها برای حفاظت از کودکان را به فرضیه آسیب پذیری کودکان پیوند داده است (واینس، ۲۰۰۶).

همچنین نیوونهایز^(۱۹۹۶) به محکومیت اخلاقی کار کودکان و نیز تناقضی که در این زمینه وجود دارد؛ اشاره کرده است. از یک طرف کودکان را افرادی منفعل و وابسته به جریانی از حقوق نشان می دهند و از طرف دیگر، با یک کاهش نسبی در سرمایه گذاری دولت ها در زمینه ی برنامه ها و نهاد سازی از کمال مطلوب بی حاصلی و مطیع بودن شخصیت مدرن کودکی (با وجود آنکه کودک معاصر مقدس فرض شده است) حمایت می کنند؛ دیده می شود (هلینر، ۲۰۰۳).

مطالعات پژوهشگران در سطح اروپا نشان می دهد، کودکانی که در خانواده های از هم گسیخته زندگی می کنند، بیشتر به مواد مخدر معتاد می شوند. مطالعات محققان دانشگاه گلاسکو نشان می دهد، نوجوانانی که والدین آنها از هم جدا شده باشند، یا نوجوانان بی سرپرست بیشتر در معرض اعتیاد به مواد مخدر هستند. بر اساس این مطالعه، از هم گسیختگی خانواده ها،

2 wyness

3 Nieuwenhuys



زندگی نوجوان با یکی از والدین، طلاق والدین، اعتیاد والدین و دیگر موارد، همگی موجب می‌شوند نوجوانان تمایل به مصرف مواد مخدر پیدا کنند. خلأهای عاطفی و خانوادگی ناشی از طلاق، مهم‌ترین دلیل روی آوردن نوجوانان به بزهکاری و مواد مخدر است. دعوای و ناسازگاری‌های دائمی والدین، کتک‌کاری میان آنها و بروز خشونت‌های مختلف در میان آنان نیز موجب می‌شوند کودک خود را بی‌تکیه گاه فرض کند و در چنین مواقعی هیچ چیز جذاب‌تر از شادی‌های زودگذر استعمال مواد مخدری همچون کوکائین و متامفتامین نیست. بر پایه این گزارش، محققان دانشگاه ادینبورگ معتقدند ریشه اعتیاد از چهاردیواری خانه سرچشمه می‌گیرد. خانواده‌های از هم گسیخته بیشترین میزان کودکان و نوجوانان معتاد را دارند. متأسفانه اثرات ناخوشایند طلاق حتی در بزرگسالی نیز بچه‌های طلاق را رها نمی‌کند. بسیاری از آنها در ارتباطات اجتماعی مشکل دارند و گاهی نیز از برخورد دیگران و قضاوت آنها در مورد خودشان عذاب می‌کشند. زمانی که می‌خواهند ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند همیشه ترس از تکرار رابطه پدر و مادرشان آنها را آزار می‌دهد و دیگران نیز با توجه به زندگی پدر و مادرشان در مورد آنها قضاوت می‌کنند و فکر می‌کنند بچه‌های طلاق هم به سرنوشت پدر و مادرشان دچار می‌شوند و نمی‌توانند کانون خانوادگی خود را حفظ کنند. اکثر روانشناسان بر این باورند که آسیب‌دیدن عزت نفس و حس مفید بودن و روحیه سازگاری با دیگران در بچه‌های طلاق کاملاً طبیعی و اثبات شده است. بچه‌هایی که والدین آنها از یکدیگر جدا شده‌اند - حتی اگر نزد پدر یا مادر نیز زندگی کنند - شدیداً دچار افت روحی و خدشه‌دار شدن ویژگی‌های رفتاری خاص کودکان سالم می‌شوند و اصلاح اینگونه نارسایی‌های رفتاری در این قبیل کودکان مستلزم طرح وقت و صرف هزینه بسیار بالایی خواهد بود (روزنامه تهران امروز).

دکتر ابراهیم حاج حیدری، کارشناس امور خانواده در خصوص تاثیر طلاق روی کودکان می‌نویسد: «آسیب‌رسیدن به امنیت روحی - روانی کودکان نخستین تاثیری است که از طلاق عاید بچه‌ها می‌شود. اشتباهات و خودخواهی‌های والدین مسلماً تا پیش از جدایی، سبب بروز شرایط تلخ و ناگواری در خانه بوده است و کودکان به عنوان نخستین قربانیان این تشنج و درگیری - حتی قبل از رسمیت یافتن طلاق میان والدینشان - در زمینه امنیت روانی دچار آسیب‌دیدگی‌های شدید می‌شوند. در واقع بچه‌های یک خانواده متلاشی شده و از هم گسیخته نخستین قربانیان این پدیده ناخوشایند اجتماعی به‌شمار می‌آیند و داده‌های آماری متعددی نیز که در این خصوص تهیه شده است حکایت از این موضوع دارند که بچه‌های طلاق مستعدترین و مناسب‌ترین افراد برای دریافت زمینه‌های لازم در خصوص ناهنجاری‌های اجتماعی هستند. وی همچنین اظهار داشته اثرات زینبار طلاق بر کودکان به قدری گسترده است که در جوه مختلف اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی باید مورد کنکاش قرار گیرد. در واقع صدماتی که به بچه‌های طلاق وارد می‌شود به جهت وسیع بودن دامنه تاثیرگذاری‌شان می‌تواند تاثیرات زینباری را به لایه‌های مختلف جامعه در ابعاد گوناگون آن داشته باشد. بسیاری از کودکان که والدین آنها از یکدیگر جدا شده‌اند به مرور زمان گرفتار پدیده‌های مذموم اجتماعی می‌شوند. در حقیقت از نظر جامعه‌شناسی مشکلات، آسیب‌ها و معضلات فراوانی فرا روی بچه‌های طلاق دیده می‌شود.

تمام خطرات و آسیب‌هایی که می‌تواند آحاد جامعه را مورد تهدید جدی قرار دهد، در ذات درونی خود قابلیت تاثیرگذاری منفی بر شخصیت وجودی اینگونه کودکان را نیز داراست. باید این نکته را مورد توجه جدی قرار داد که اینگونه کودکان بیشتر از سایر آحاد جامعه در برابر تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی، ضربه‌پذیر هستند و به علت مشکلات عدیده در بافت کلی زندگانی این قبیل کودکان، آنان خیلی سریع‌تر از دیگر افراد جامعه گرفتار باندهای قاچاق مواد مخدر، سرقت و دیگر بزهکاری‌های اجتماعی، اقتصادی می‌شوند (روزنامه تهران امروز).



آقای عباسیان در پژوهشی درباره فقر کودک در ایران، فقر کودک را چنین تعریف کرده اند: فقر کودک یعنی محرومیت انسان‌های زیر ۱۸ سال از منابع مادی، معنوی و عاطفی لازم برای زنده ماندن و پیشرفت کردن. نتایج حاصل از بررسی ایشان به قرار زیر می باشد: در تعریف فقر کودک، به جای تمرکز صرف بر درآمد سرانه خانوارها، بایستی به نقض حقوق کودکان توجه شود. با چنین تعریفی، نیمی از کودکان جهان در فقر به سر می‌برند و اکثر آنان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. همچنین، دختران نسبت به پسران بیشتر در معرض خطر فقر قرار دارند.

روش شناسی

روش تحقیق این پژوهش به صورت تحلیل محتوی با واحد بررسی مضمون می باشد. و چون دو دوره ی شعری کلاسیک و معاصر را هم زمان بررسی می نماید به این دلیل روش کار به صورت مقایسه ای انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش کل ادبیات منظوم کلاسیک و معاصر ایران است که این اشعار در رابطه با کودک می باشند. میزان حجم نمونه در پژوهش حاضر ۲۰۰۰ بیت شعر می باشد که به طور یکسان از دو دوره ی شعری کلاسیک و معاصر، هر یک به میزان ۱۰۰۰ بیت استخراج شده است.

شیوه نمونه گیری این پژوهش بدین صورت است که از بین کل جامعه آماری که شامل کل ادبیات منظوم دوره ی شعری کلاسیک و معاصر بود؛ به میزان ۲۰۰۰ بیت شعر استخراج شد. که شیوه ی استخراج این ۲۰۰۰ بیت بدین صورت است که برای دوره ی شعری معاصر (جامعه مدرن)، تمامی اشعار شاعرانی که از سال ۱۲۸۰ هجری شمسی تا به الان، اشعاری در رابطه با کودک سروده اند و یا به نوعی به کودک مربوط می شده اند، ذکر گردیدند که کل این دوره شامل ۱۰۰۰ بیت شد و به دلیل این که روش کار بصورت مقایسه ای است، بایستی به یک میزان از هر دو دوره، نمونه شعری ذکر می گردید که به همین لحاظ برای اشعار شاعران دوره کلاسیک (جامعه سنتی)، از سه سبک خراسانی، عراقی و سبک هندی هر کدام ۶ شاعر انتخاب گردید که در مجموع؛ اشعار ۱۸ شاعر کلاسیک از سه سبک متفاوت بررسی شد و اشعار شاعران این دوره از حدود قرن ۳ الی قرن ۱۲ را شامل می شود. در مجموع، کل شاعرانی که برای این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند ۱۳۰ شاعر می باشند که ۱۸ شاعر مربوط به دوره ی شعری کلاسیک، و ۱۱۲ شاعر مربوط به دوره ی شعری معاصر می باشند.

از مجموع ۲۰۰۰ بیت شعر مورد بررسی، ۳۵۳ بیت در هر دو دوره به مقوله ی رنج و درد کودکی پرداخته است که جدول یافته های آن و همچنین جدول آزمون کای اسکویئر در ادامه ارائه می گردد.

جدول شماره ۱. یافته های پژوهشی و تحلیلی توزیع فراوانی بیت های مورد بررسی متغیر رنج و درد کودک به تفکیک دوره شعری کلاسیک و معاصر

جمع	دوره ی شعری		رنج و بیم کودکان * دوره ی شعری		
	معاصر	کلاسیک			
118	107	9	توزیع فراوانی	فقر و تنگدستی	رنج و بیم کودکان
114	86	28	توزیع فراوانی	یتیمی	
45	32	13	توزیع فراوانی	بیماری، درد و غصه و اندوه	



18	11	7	توزیع فراوانی	کودک و کار
10	6	4	توزیع فراوانی	گم شدن کودک در خیابان
10	6	4	توزیع فراوانی	پشیمانی کودک از کرده ی خویش
1	1	0	توزیع فراوانی	آینده نامعلوم و تاریک بچه های طلاق
۱۲	۶	۶	توزیع فراوانی	درک اختلاف در وضعیت زندگی فقیر و غنی(اختلاف طبقاتی)
۱۶	۱۴	2	توزیع فراوانی	بیم و امید
9	4	5	توزیع فراوانی	تبعیض
3۵۳	2۷۳	7۸	توزیع فراوانی	جمع

با عنایت به یافته های جدول شماره ۱ برای متغیر رنج و درد کودکان؛ در مقایسه ی دو دوره ی شعرى کلاسیک و معاصر، به ازای هر یک از مقوله های مربوط به رنج و درد کودکان توزیع فراوانی خواهیم داشت تا برای هر یک از مقولات موجود در جدول، بین دو دوره ی شعرى کلاسیک (جامعه سنتی) و معاصر (جامعه مدرن) مقایسه ای به عمل آید و در نهایت با استفاده از نتایج جدول کای اسکویر، سطح معنی داری متغیرها را بررسی نمودیم.

برای مقوله ی فقر، در دوره ی کلاسیک توزیع فراوانی ۹ و برای دوره ی معاصر توزیع فراوانی ۱۰۷ استخراج شده و چنین استنباط می شود که در دوره ی معاصر، مقوله ی فقر در اشعار معاصر نسبت به اشعار کلاسیک، بیشتر دیده می شود.

برای مقوله یتیمی کودک، در دوره ی کلاسیک ۲۸ توزیع فراوانی استخراج شده که در مقایسه با دوره ی معاصر؛ برای این مقوله، ۸۶ توزیع فراوانی می باشد و چنین استنباط می شود که در دوره ی معاصر، مقوله ی یتیمی کودک، در اشعار معاصر نسبت به اشعار کلاسیک، بیشتر و محسوس تر است.

برای مقوله ی درد و غصه و اندوه، در دوره ی کلاسیک ۱۳ توزیع فراوانی استخراج شده که در مقایسه با دوره ی معاصر؛ توزیع فراوانی ۳۲ می باشد و چنین استنباط می شود که در دوره ی معاصر، مقوله ی بیماری و درد و غصه کودکان، در اشعار معاصر نسبت به اشعار کلاسیک، بیشتر و محسوس تر است.

برای مقوله ی کودک و کار، در دوره ی کلاسیک توزیع فراوانی ۷ استخراج شده که در مقایسه با دوره ی معاصر؛ برای این مقوله، توزیع فراوانی ۱۱ می باشد و چنین استنباط می شود که در دوره ی معاصر، مقوله ی کار کودکان، در اشعار معاصر نسبت به اشعار کلاسیک، بیشتر و محسوس تر است.



برای هر دو مقوله ی گم شدن کودک در کوچه و خیابان و پشیمانی کودک از کرده ی خویش، در دوره ی کلاسیک توزیع فراوانی ۴ و در دوره ی معاصر توزیع فراوانی ۶ استخراج شده است.

برای مقوله ی آینده نامعلوم کودکان طلاق، در دوره کلاسیک هیچ توزیع فراوانی استخراج نشده و در دوره معاصر تنها یک بیت به این مهم اشاره نموده است.

برای مقوله درک اختلاف طبقاتی در هر دو دوره کلاسیک و معاصر توزیع فراوانی یکسان و برابر با ۶ استخراج شده است.

برای مقوله بیم و امید کودک در دوره کلاسیک توزیع فراوانی ۲ و در دوره ی معاصر توزیع فراوانی ۱۴ استخراج شده است.

و در نهایت برای مقوله تبعیض در دوره ی شعری کلاسیک توزیع فراوانی ۵ و در مقایسه با دوره شعری معاصر نسبت به این مقوله، توزیع فراوانی ۴ استخراج گردید.

نتایج آزمون کای اسکویر برای جدول شماره ۱ متغیر رنج و درد کودکان

آزمون	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفسیر
آزمون کای اسکویر	۴۲/۸۷	۱۴	۰/۰۰۰	تفاوت معنی دار است.

با توجه به نتایج آزمون کای اسکویر برای متغیر رنج و درد کودکان با درجه آزادی ۱۴، در مقایسه بین ادبیات کلاسیک و معاصر، سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و تفاوت معنی دار می باشد.

بحث و نتیجه گیری

با عنایت به یافته های جدول رنج و درد کودکان، نتیجه گیری می شود که از مجموع ۲۰۰۰ بیت مورد بررسی درباره ی کودک، ۳۵۳ بیت یعنی در حدود ۱۷/۶ درصد به مقوله درد و رنج کودکی اشاره دارد که در کل به نظر می رسد نسبت به جامعه مورد بررسی، و همچنین با توجه به شرایط کنونی جامعه، سهم کمی به این مؤلفه اختصاص داده شده است. از منظر شاعران هر دو دوره کلاسیک و معاصر، عوامل و دلایل زیادی در ایجاد رنج و دردهای کودکی مؤثر است که از آن جمله می توان به فقر، یتیمی، بیماری و درد و غصه، کار کودک، گم شدن کودک در کوچه و خیابان، پشیمانی کودک از کرده خویش، آینده نامعلوم بچه های طلاق، درک اختلاف طبقاتی، بیم و امید و تبعیض اشاره نمود. بنا به نظر دیوید دگرازا رنج بردن و میزان آن بر حسب معنایی که شخص به درد یا پریشان خاطر خود می دهد یا بر حسب انتظاراتی که از آینده دارد، متفاوت است. بدین سان، نه تنها هر معنایی که شخص به موقعیتش می دهد، بلکه انتظاراتش از آینده مؤلفه های مهمی در رنج بردن و میزان آن است. همچنین شوپنهاور اظهار می دارد که رنج ناشی از عدم ارضای تمایلات است بنابراین با توجه به انتظاراتی که کودک از آینده دارد و برآوردن نشدن نیازهایش، دلایل و عوامل مؤثر در ایجاد رنجش کودکی تأیید می گردد. از بین مقوله های مربوط به مؤلفه درد و رنج کودکی، مقوله فقر و تنگدستی کودک با توزیع فراوانی ۱۱۸ بیت یعنی در حدود ۳۳/۴۲ درصد آن، به این مقوله توجه دارد و این مقوله در واقع بین دیگر مقولات مورد بررسی، از ضریب اهمیت بیشتری نسبت به دیگر مقوله ها برخوردار می باشد و نتایج تحقیق با نتایج تحقیق آقای عباسیان هم راستا است که نیمی از کودکان جهان در فقر به سر می برند. جامعه شناسان فقر را معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی در یک جامعه مفروض می دانند و اقتصاددانان نیز آن را درآمد افراد یا خانوارها و یا به عبارت دیگر میزان درآمد سرانه را شاخصی برای اندازه گیری فقر و غنای افراد یک جامعه در نظر می گیرند. یونیسف اعلام می دارد کودکانی که در فقر زندگی می کنند، بچه هایی هستند که از منابع مادی، منوعی و



عاطفی لازم برای زنده ماندن، توسعه یافتن و پیشرفت کردن محروم اند، از حقوق خودشان لذت نمی برند، از ظرفیت هایشان به طور کامل استفاده نمی کنند و مثل بقیه ی اعضای جامعه در اجتماع مشارکت نمی کنند. در واقع میان محرومیت های اقتصادی و مسائل فرهنگی- اجتماعی پیوندی مستحکم وجود دارد. آثار گونه گونه فقر در هنجارهای جامعه نیز تأثیر می گذارد. مهم ترین اثر اجتماعی فقر کودک که خود به آثار دیگر می انجامد، ضعف شخصیت کودکان فقیر است. کودکان فقیر، به سبب برخوردار نبودن از امکانات مادی و موقعیت اجتماعی، در جامعه مورد تحقیر قرار می گیرند؛ بنابراین، قدرت دفاع از حق خود را از دست می دهند و نومید به انزوا روی می آورند. همچنین بنا به نتایج یافته های این پژوهش، کمترین ضریب اهمیت در بین مقولات مورد بررسی، به آینده نامعلوم بچه های طلاق مربوط می شود بطوریکه از بین کل جامعه آماری، تنها یک بیت، آن هم بیتی از اشعار دوره کلاسیک به این مورد اشاره نموده است. این در حالی است که این مهم، خصوصا در دوره معاصر به طرز چشم گیری در جامعه وجود دارد و پیامدهای طلاق خصوصا بر کودکان آثا جبران ناپذیری بر جای می گذارد. چه کسی می تواند اثر این رنج را بر روان لطیف کودکان و روح زود رنج نوجوانان انکار نماید؟ تأثیر مستقیم طلاق تزریق عواطف رنجور از جمله ترس، خشم، گنجی و بهت زدگی است. همچنین گرایش به اعتیاد از جمله آسیب های اجتماعی طلاق است و کودکان خیابانی و کارتن خواب اکثرا بچه های طلاق می باشند. پدیده کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات گریبان گیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش این پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است. این پدیده یکی از آسیب هایی است که به صورت جدی جامعه ما را تهدید می کند. دلایل مختلفی همچون توزیع نابرابر بودجه های فرهنگی و عمرانی بین شهرهای بزرگ و کوچک و نیز شهر و روستا، اختلاف روزافزون شکاف طبقاتی، وابستگی شدید دولت مردان به نفت و عدم توجه به کارگاه ها و صنایع تولیدی وابسته در روستاها و شهرهای کوچک و بیکاری سبب شده است روستاها خالی از سکنه شوند، به گونه ای که خانواده های بسیاری هر روزه در آرزوی دستیابی به زندگی بهتر به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده و در حاشیه این شهرها ساکن می شوند. به جهت پیدا نشدن فرصت های شغلی مناسب و افزایش هزینه ها، به اجبار بخش زیادی از بار تأمین درآمد برعهده کودک خانواده می افتد و او با رانده شدن از چرخه آموزش و پرورش رسمی و ورود زودهنگام به بازار کار، در معرض تهدیدها و آسیب های جدی هم قرار می گیرد.

از دلایلی که موجب شده امکان دستیابی به آمار دقیق کودکان کار فراهم نباشد، زندگی پنهانی، جابه جایی و متغیر بودن تعداد آنان در زمان های مختلف است (موسوی، ۱۳۸۱). در حال حاضر، کار کودک به اشکال گوناگون در ایران و جهان وجود دارد. علاوه بر کار کودکان در کارگاه ها، منازل، مزارع و بنادر - که از دیرباز وجود داشته - اشکالی از کارهای خیابانی نیز به آنها افزوده شده است. حتی در برخی مواقع، از کودکان در کارهای پستی همچون کارهای سیاه، مواد مخدر، انواع قاچاق و بهره کشی جنسی استفاده می شود و متأسفانه رشدی روزافزون دارد (سایت نشریه داخلی قوه قضائیه مأوا).

در پاسخ به سوال پژوهشی سوم بنا به نتایج پژوهش باید اذعان داشت که درد و رنج های کودکی مورد توجه شاعران، در جامعه معاصر بیشتر از جامعه کلاسیک به چشم می خورد و واقعیت امر نیز چنین است. در واقع شاعران معاصر رنج های کودکی را بیشتر احساس نموده و در این باره بیشتر سخن به میان آورده اند. به نظر می رسد رنجی که کودک امروز با آن مواجه است را کودک دیروز حتی تجربه نیز نکرده باشد. در واقع می توان گفت که دوران کودکی در جوامع مدرن اهمیتی برای متفکران اجتماعی نداشته است. شاید بتوان یکی از کارکردهای جامعه ی بزرگسال را بی اهمیتی به کودکانی که هیچ گونه نقش اجتماعی ندارند دانست. افزایش توجه به عاملیت دوران کودکی نشان می دهد که دیگر به کودک به عنوان یک عضوی از یک مقوله نگاه نمی شود بلکه آنها اشخاص خاص، ویژه و مستقل محسوب می شوند. کودکان به عنوان عوامل اجتماعی شکل دهنده و شکل گیرنده از شرایط و محیط اطراف خودشان درک و فهمیده می شوند. مسلما کودکان در دنیای مدرن از فرصت های بیشتری برخوردارند. به طور کلی کودکان امروزه در معاهده ی جهانی حقوق



کودک (UN) که حداقل به طور رسمی از طرف تعداد زیادی از دولتها تایید شده است از حقوق شهروندی از قبیل بقا، نگهداری، حمایت، رشد و مشارکت برخوردارند اما در حالی که اکثر تشکیلات سعی می کنند کودک را به عنوان فردی مستقل نشان دهند؛ در دنیای معاصر سیاست گذاری ها و قوانین نظارتی و اجتماعی عکس آن را نشان می دهد (عبدلی، ۱۳۸۹).

منابع

- آنو، آرتور. (۱۳۸۶). روانشناسی رنج، ترجمه: ادهمی، زهرا، تهران، نشر دایره.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده، با تاکید بر نقش و ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- باوندیان، علیرضا. (۱۳۶۲). نگاهی گذرا به سیمای کودک در ادب عصر مشروطیت، نشریه مشکوة، گروه ادبیات کودک و نوجوان، بنیاد پژوهش های اسلامی، شماره ۲۲.
- بزرگ بیگدلی، سعید، قبادی، حسینعلی و نوروزی داودخانی؛ ثورالله. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل درد و رنج های بشری در اندیشه مولوی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال ۵، ش ۱۷.
- تیلیش، پل. (۱۳۶۶). شجاعت بودن. ترجمه مراد فرهادپور، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پستمن، نیل. (۱۳۸۷). نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه: طباطبایی، صادق، چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.
- جیمز، آلیسون و جنکس، کریس و پروت، آلن. (۱۳۸۵). جامعه شناسی دوران کودکی، ترجمه ی کرمانی، علیرضا و ابراهیم آبادی، علیرضا، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- خسرو نژاد، مرتضی. (۱۳۸۳). معصومیت و تجربه درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک ، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- دگرازا، دیوید. (۱۳۸۶). تاملی بر معنا و مفهوم رنج، مترجم: فریا منش، مسعود؛ مجله اطلاعات حکمت و معرفت، دی ۱۳۸۶ ، شماره ۲۲
- روزنامه تهران امروز. (http://tehranemrooz.ir/v2/default_view.asp?NewsId=50647).
- سایت نشریه داخلی قوه قضائیه ماوی (www.maavanews.ir).
- سایت سازمان بهداشت جهانی (www.unicef.org).
- شاه آبادی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). مقدمه بر ادبیات کودک (بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول.
- طبری، اسفندیار. (.....). فلسفه رنج، برگرفته از سایت (www.hammihan.com).
- عباسیان، عزت الله و نسرین دوست، میثم. (۱۳۸۸). فقر کودک، مجله رفاه اجتماعی، زمستان ۸۸، شماره ۳۵.
- عبدلی، ناهید. (۱۳۸۹). مقالات انسان شناسی دوران کودکی، شماره ۱ و ۲ و ۳.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۵). مهر ماندگار، اول، تهران، نگاه معاصر.
- موسوی، کارشناس خدمات اجتماعی. (۱۳۸۱). مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، خرداد ۱۳۸۱ (روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی گری).
- واینس.. (۲۰۰۶) بررسی درک مشارکت فعال کودکان در زندگی خود.
- ورسلی، پتر. (۱۳۷۳). جامعه شناسی مدرن، ترجمه: پویان، حسن، تهران: نشر چاپخش، جلد اول و دوم، چاپ اول.
- هلنیر. (۲۰۰۳) بررسی تجربه ی کودکان در میان مرزها مخصوصاً" در میان دو مرز کانادا و ایالات متحده ی آمریکا در نیاگارا.
- Arios, Philippe. (1973). Centuries Of Childhood, (Harmonds Worth: Penguin)



- Qvortrup .J 1994, childhood matters an introduction, aldershot :avebury
 - David Le Breton, Experiences de la douleur Entre destruction et renaissance, 2005
- Metailie:

Archive of SID